



آیت‌الله جوادی آملی
عضو شورای عالی قضائی



ضرورت رسالت انبیا

امت خیر و خوبی است آورده (اثبات) و در میان آنچه آورده چیزی که رحمت نباشد نیست (نفی). قانون او بر اساس رحمت است پس اگر یک حکم خلاف رحمت باشد رحمت جهانی نخواهد بود و آنچه را دستور نداده مطابق رحمت نبوده است.

پس دعوت او عمومی و دائمی و نوام با رحمت است. جامع همه اینها در سوره مائده آیه ۳ آمده است:

”الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي“

امروز دین شما را برای شما کامل کردم و نعمت خود را برای شما به اتمام رساندم. و این نعمت الهی بوسیله پیامبر (ص) به کمال رسید.

دعوت بر اساس بصیرت و آگاهی:

خط مشی رسول اکرم (ص) در تمام مباحثها و تعلیم و تربیتها و مناظره‌ها از روی بصیرت و آگاهی بوده است. در قرآن بحثی بنام: ” پاسخ به سئوالات “ دارد با عناوینی از قبیل:

قرآن در بخشی از آیاتش انبیا را عموماً معرفی می‌کند و در بخشی دیگر، در باره خصوص پیامبر اسلام در امور مختلف سخن می‌گوید مانند:

۱- وجود او ضروری و لازم است.

۲- نقش پیامبر در جامعه چیست؟

۳- وظیفه بشر در برابر او چیست؟

بنا بر این قرآن هم راهنمایی پیامبران را بیان می‌کند و هم وظیفه امتها را در برابر آنها.

گاهی قرآن پیامبر اسلام را به عنوان رحمت برای جهانیان معرفی می‌کند، چنانکه در سوره انبیا، آیه ۲۷ می‌خوانیم:

”وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ“

ما ترا نفرستادیم مگر اینکه رحمت برای جهانیان باشی.

از این آیه استفاده میشود که:

۱- شاع رسالت پیامبر اسلام (ص) هم جهانی است و هم همیشگی و جاودانی. او رحمت جهانی است یعنی منطقی و مقطع زمانی نیست که از این رحمت منقطع باشد.

۲- او رحمت است یعنی هر چه برای

در بحث گذشته مطالبی از قرآن بیان شد مبنی بر اینکه بشر هرگز بدون وحی به سعادت نمی‌رسد. یکی از آیات قرآن در این زمینه، آیه ۹۱ سوره انعام است که می‌فرماید:

”وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا

”مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْنَا بَشْرًا مِّنْ سَمَوَاتٍ“

آنان که رسالت پیامبران را نپذیرفتند خدا را درست نشناختند که گفتند: خداوند پیامبری را به سوی بشر نفرستاده است.

خدا را درست نشناختند که خدا رب العالمین است، باید آنها را به‌رورد و سه کمال برساند و کمال انسان بدون وحی میسر نیست.

آنها که انبیا را نپذیرفتند خدا را نشناختند. مگر ممکن است خداوند مردم را بیافریند که به سمت مقصدی بروند و

آنان را بدون رهنا رها کند؟ هرگز خدا چنین نمی‌کند.

■ ■ ■

خصائص پیامبر اسلام:

بصیر نیست ، و اگر بصیر بود عمل می کرد .
 در یکی از احادیث نبویه آمده است که
 پیامبر (ص) چنین فرمود : داستان من و
 برخی از پیروان من مانند کسی است که
 آتش افروخته و اصرار می کند که پروانه ها و
 حشرات ، خود را به آن آتش نیاکنند تا
 نسوزند ، ولی آنها به این آتش گرایش
 دارند . من اصرار می کنم که از آتش دور
 شوند ولی آنها حساب نمیکنند و مواظب
 زبان جان خود نیستند و کارشان از روی
 بصیرت نیست لذا خود را به آتش می اندازند .
 کسی که عمل نمی کند ، کارش و دعوتش
 بر روی آگاهی و بصیرت نیست . از این رو
 صور ذهنیه و محفوظات او نه برای او نور
 است و نه برای شنونده .

”يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ“
 ”مَاذَا يُنْفِقُونَ“
 ”الْأَهْلِ“
 ”يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ“
 ”يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ“
 ”يَسْأَلُونَكَ“
 ”عَنِ الْيَتَامَى“
 ”الْأَنْفَالِ“

و اینها مطالبی در امور معنوی و مادی
 است که از پیامبر (ص) به عناوین مختلف
 می پرسیدند و قرآن بارهای از شئالات آنها
 و پاسخ های رسول اکرم (ص) را مطرح کرده
 است .

خط مشی پیامبر (ص) در این امور چنین
 بوده که در سوره يوسف آیه ۸۰ میخوانیم :
 ”قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ“
 ”عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي“
 بگو این خط مشی من و خط رسالت و
 وحی و نبوت من است و آن این است که به
 خدا (کمال نامحدود) دعوت می کنم و این
 دعوت من از روی بصیرت است ، خط من و
 پیروانم همین است . یعنی می فهمم چه
 می گویم . می یابم که به کدام جهت هدایت
 می کنم و می یابم که چگونه هدایت می کنم .
 اگر سخنی مستدل و هدف دار و مشخص
 نباشد ”عَلَى بَصِيرَةٍ“ نیست .

پیروان من نیز دارای همین خط اند ،
 پس کسی که دعوتش برهانی نیست ، مستدل
 و ”عَلَى بَصِيرَةٍ“ نیست ، قهراً پیرو پیامبر (ص)
 هم نمی باشد ، پیروان پیامبر (ص) کسانی
 هستند که دعوت آنها به سوی الله از روی
 بصیرت و بینائی است و کسی بصیر است که
 هم با چشم دل ، برهانی ببیند و هم
 وابستگی اش به آن ، به بینش درونیش
 فروغ دهد که روشن شود .
 کسی که دعوت می کند ولی عمل نمی کند
 چنین کسی دعوت الی الله ندارد زیرا

اما در باره پیامبر اسلام (ص) می گوید : او
 از متن جان شما برخاست .
 در قرائت ”انفسکم“ بفتح فاء نیز نقل
 شده یعنی نفیس تر و گرامی تر فرد انسانی
 به عنوان رسول آمده است .

اطاعت رسول اطاعت خدا است :
 از خصائص پیامبر اینکه اطاعت او اطاعت
 از خدا است . در سوره نساء آیه ۶۹ آمده
 است :

”وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ“
 ”مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ“
 ”النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ“
 ”وَالشَّالِحِينَ وَحَسَنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا“

کسی که مطیع خدا و رسول باشد ، با
 کسانی محشور میشود که از نعمتهای خاصه
 الهی برخوردارند مانند پیامبران و صدیقین
 و شهدا و نیکوکاران .

و در آیه ۸۰ از همین سوره است :
 ”مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اطَاعَ اللَّهَ“
 کسی که مطیع رسول باشد ، خدا را اطاعت
 کرده است زیرا رسول سخنی جز پیام خدا
 ندارد .

پیشی نگرفتن بر رسول :
 موضوع دیگر در باره پیامبر اینکه باید
 اعمال و اخلاق و رفتار مسلمان به دنبال
 رسول اکرم (ص) باشد و از او جلو نرفتند ،
 او را سرمشق و الگو قرار دهند . در سوره

رنج پیامبر به خاطر رنج دیگران :

یکی از خصایص پیامبر (ص) این است که
 اگر امتش به زحمت بیفتند ، تحملش برای
 پیامبر گران است . در سوره توبه آیه ۱۲۸
 میخوانیم :
 ”لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ“
 ”عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ“
 ”بِأَلْمُومِينَ مِنْ رَوْفِ الرَّحِيمِ“

شما را رسولی از خودتان (از نوع بشر)
 آمد . آنچه شما رنج می کنید - از فقر و
 پریشائی و جهل و فلاکت - بر او دشوار می آید ،
 او بر آسایش و نجات شما حریص و حساس
 و مومنین عطف و مهربان است .

کسی که دعوت میکند ولی عمل نمی کند، چنین کسی دعوت الی الله ندارد زیرا بصیر نیست و اگر بصیر بود عمل می کرد.

حجرات آیه ۱ میخوانیم :
 ”يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا عَلَيْهِ“
 ”يَدِّيَ اللَّهُ وَرَسُولِهِ“
 ای کسانی که ایمان آوردید بر خدا و
 رسولش پیشی نگیرید ، چنانکه قرآن فرشتگان

قرآن در باره پیامبران تعبیراتی که دارد
 چنین است : ما بر قوم ”نمود“ برادرشان
 ”صالح“ را فرستادیم . بر قوم ”عاد“
 برادرشان ”هود“ را فرستادیم . بر قوم
 ”مدین“ برادرشان ”شعیب“ را فرستادیم .

را چنین توصیف کرده :

"بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ
وَهُمْ بآرِهِ يَعْلَمُونَ"

(انبیاء - آیه ۲۷)

فرشتگان بندگان گرامی خدا هستند . در گفتار از خدا پیشی نمی گیرند و فرمان خدا را انجام می دهند ، یعنی تابع فرمان خدا هستند ، مؤمنین نیز باید در سخن و عمل و اعتقاد و اخلاق مطیع خدا و پیامبر باشند .

در آیه ۲ سوره حجرات می فرماید :

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا
أصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ"

ای کسانی که ایمان آوردید صدای خود را بلندتر از صدای پیامبر نکنید . حرمت مجلس پیامبر را نگاهدارید . بلندتر از او حرف نزنید (در کنار مزارشان نیز چنین باشید چون حیات و معات آنها یکسان است و آنها همیشه زنده اند ، لذا باید در کنار قبور معصومین ، رعایت ادب شود ، حتی در زیارت خواندن) . در کنار علم ، باید عمل باشد . عمل نسوز است و اگر کسی بدرفتار کند این نور او را رها می سازد .

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که فرمود :
"العلم يهتف بالعمل فإن أجابوه و إلا ارتحل"
علم منادی عمل است ، اگر انسان ندای علم را محترم شمرد و بآنچه آخته بسود عمل کرد ، این علم می ماند و گر نه کوچ می کند . آری اگر عمل نبود علم کوچ می کند ، علم یک سلسله صور ذهنی نیست بلکه نوری است که خداوند آن را در قلب هر کس که می خواهد قرار می دهد :

"أَلْعَلَّمُ نُورِي قَدْ فَهِمَ اللَّهُ فَبِي قَلْبٍ مِّنْ بَيْنَا"

چنین علمی ارزان بدست نمی آید .

در اصول کافی یک بحثی هست تحت عنوان "بَابُ الْمُسْتَأْكِلِ بَعْلِيهِ" کسی که از راه علمش نان می خورد یعنی محقق و فاضل است ولی منطبق "لَا أُسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا" را ندارد ، منطبق او فخر فروشی است که اگر چیزی یاد گرفت آن را در جایی می گوید که

چهره ها به او متوجه شوند ، چنین کسانی علم را وسیله دنیا قرار داده اند تا به مقام و منصب دنیوی نائل شوند .

چنین نیست که هر کس کنار سفره ولی عصر (عج) نشست ، عاقبت به خیر گردد . تراشش سنگین است . حوادث و آزمایشهای

"عَنْهُ فَاتَّبِعُوا"

هر چه رسول (ص) برای شما آورد ، آن را بپذیرید و هر چه را نپذیرد از آن دوری کنید ، زیرا رسول اکرم (ص) نور افکن قوی است چنانکه در آیه ۲۵ سوره احزاب می خوانیم :
"يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا"

چنین نیست که هر کس کنار سفره ولی عصر (عج) نشست ، عاقبت به خیر گردد ، حوادث و آزمایشهای سخت روزگار سر راه انسان است ، اگر انسان اینها خلاص شد کار مهمی انجام داده است .

"وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ
بِأَذْنِهِ وَبِرَاجَا مُبَشِّرًا"

ای پیامبر ما تو را گواه بر خلق ، مژده دهنده خوبان و ترساننده بدان فرستادیم و تو را فرستادیم که بادن خدا مردم را دعوت به سوی او کنی و چراغ فروزان عالم باشی . این رسول اکرم (ص) شاهد بر امت است و اعمال امت را چه در حیات و چه در معات میداند ، و در قیامت شهادت خواهد داد . او نمونه است و در همه حالات به اذن خدا حاضر است . بشارت دهنده به خیر و ترساننده از کارهای بد است . به اذن خدا دعوت به الله میکند و چراغ روشن بخش است . نورافکن قوی است ، اگر کسی این چراغ قوی را رها کند به تاریکی می افتد .

در آیه ۳۱ سوره آل عمران می فرماید :

"قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي
يُحِبِّكُمْ اللَّهُ"

اگر شما دوست دار خدا هستید مرا اطاعت کنید تا خدا شما را دوست بدارد . و عالیترین کمال آن وقت است که آثار لطف خدا در محبوبش ظاهر میشود . آری چنانکه خدا فرموده است بدنیاال حبیب الله حرکت کنید تا محبوب خدا شوید .

ادامه دارد .

سخت روزگار سر راه انسان است ، اگر انسان از اینها خلاص شد کار مهمی انجام داده است . اینکه در قیامت به عالم می گویند :

"تَسِفٌ وَأَسْفَعٌ"

بایست و نفاقت کن ، به هر عالمی چنین نمی گویند ، بلکه به آن عالمی که مشمول :
"عَلَىٰ بَحِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي"
شود ، در جلسه استاد مودب و با وضو و طهارت باشد - آنطور که شهید رضوان الله علیه در کتاب منته المرید بیان دانسته - برای رضای خدا درس بخواند ، این رسالت الهی را درست به عهده گیرد و به آن وفا کند . و برای اینکه فکرت عمیق گردد مقداری ریاضی و منطق بخواند و با علوم برهانی سروکار داشته باشد (زیرا اگر علوم ادبی بود ، ذوق کافی بود ولی چون علوم برهانی است باید فکر را با اصول برهانی عادت دهد) . در آنجا است که معلم صدا را بلند تر از معلم نکند .

و از اینکه ائمه هدی (ع) بعد از خود ، امور را به ولایت فقیه ارجاع دادند ، باید از آنها اطاعت کرده و هیچ کس حق پیشدستی از آنها را ندارد . پس از اینکه امامان مسا ولایت فقیه را امضاء کردند ، دیگر چون و چرا معنی ندارد .

در آیه ۷ سوره حشر می خوانیم :

"وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ"